

شناسایی عوامل تضمین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن استان بوشهر در سال ۱۳۹۶

عبدالرضا شیرکوند* / احمد امیری** / ندا مختاری*** / آمنه اکبرشریفی****

چکیده

با توجه به اهمیت نقش زنان به عنوان نیمی از جامعه و مشارکت آن‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه پایدار، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر کیفیت آموزش و توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن استان بوشهر طی بازه زمانی ۹۶-۱۳۹۵ انجام شده است. این پژوهش از لحاظ ماهیت کمی، از نظر هدف کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی - پیمایشی محسوب می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات دو پرسشنامه‌های محقق ساخته بود که پرسشنامه اول شامل ۱۵ سؤال برای سنجش توانمندی و پرسشنامه دوم با ۱۸ سؤال برای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان طراحی گردیده بود. روایی پرسشنامه با اعتبار صوری توسط متخصصین و اساتید مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با آلفای کرونباخ $0/89$ به دست آمد. جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر از کارآموزان رشته‌های مختلف آموزشی استان بوشهر و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۶۸ نفر تعیین گردید. نتایج حاصله حاکی از آن است که دوره‌های آموزشی مهارتی در مراکز دَیْر و جَم شامل سه عامل: اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری با واریانس $66/07$ بود. بر اساس نتایج رگرسیون گام به گام چهار متغیر مستقل به مدل وارد شده که شامل افزایش قدرت دانش، آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش انگیزه جهت شرکت مؤثر در دوره و افزایش قدرت اتکا به

* مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس زینبیه، دبیر آموزش و پرورش شهرستان قرچک، kimya93@chmail.ir

** دبیر آموزش و پرورش شهرستان دیر.

*** کارشناس ارشد مهندسی فناوری اطلاعات، مرکز فنی و حرفه‌ای ۱۳ شهرستان دیر.

**** دبیر آموزش و پرورش شهرستان قرچک

خود بوده است و توانسته‌اند ۹۲/۳ درصد تغییرات توانمندسازی مهارتی و تضمین کننده‌ی کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کارآموزان زن را ایجاد نمایند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، عوامل تضمین کیفیت آموزش، توانمندسازی مهارتی، آموزش فنی و حرفه‌ای.

مقدمه

امروزه از منابع حیاتی توسعه می‌توان به آموزش اشاره نمود که به منظور توانمندسازی انسان‌ها باید در دسترس آن‌ها قرار بگیرد. در عصر حاضر، جوامع برای ورود به چالش‌های آینده از موثرترین ابزار خود که همان آموزش است استفاده می‌کنند و اصولاً آموزش برای تمامی آن‌ها پذیرفته شده است که در پرتو آن، دنیای فردا شکل خواهد گرفت. این آموزش باید به گونه‌ای طراحی شود تا با تضمین کیفیت، موجبات توسعه شخصیت افراد، مخصوصاً در جایی که جوانان مد نظر هستند را فراهم نماید. آن چیزی که امروزه صاحب نظران این حوزه در مورد آن به یک باور مشترک دست یافته‌اند، به زبان ساده این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در معنای جدید آن، هم به مفهوم کاری (شغل) و هم به مفهوم شهروندی است. بنابراین دارا بودن مهارت‌های عملی صرف و شناخت ابزاری برای دانش آموختگان برنامه‌های فنی و حرفه‌ای کافی نیست و نیاز بازار کار دنیای کنونی را تأمین نمی‌کند (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹). داعیه داران توسعه انسانی پایدار بر این باورند که فرصت‌ها باید به شکل عادلانه در اختیار افراد قرار گیرد و به همه مردم چه مرد و چه زن فرصت داده شود تا در اجرای طرح‌ها و تصمیمات اساسی که زندگی آن‌ها را شکل می‌بخشد، مشارکت داشته باشند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵). از این رو توسعه منابع انسانی از راه آموزش امکان پذیر است. بدین نحو که آموزش، توانایی انسان را در امر تولید بالا می‌برد زیرا در تولید، عامل انسانی، اساس کار به شمار می‌رود (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰). آموزش‌های مهارتی، مهم‌ترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار افراد جامعه است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود، از این رو، در جوامع منزلتی یگانه یافته است (نظرزاده، ۱۳۸۷). نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از اجزاء مهم نظام آموزش و پرورش کشورها، متصدی اصلی تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر است (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از ارکان اساسی و مؤثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه منابع انسانی است و برای توسعه طبیعتاً وجود نیروهای متخصص از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی که تخصص لازم را به دست می‌آورد، ضروری می‌باشد (حق شناس و همکاران، ۱۳۹۲).

مسئله اساسی این پژوهش را می‌توان این گونه عنوان نمود که امروزه زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. با این وجود، تنها تعداد کمی از آن‌ها شاغل بوده و به کسب درآمد می‌پردازند. آمارها نشان می‌دهد که اغلب زنان به کار خانگی اشتغال دارند و یا این که اگر کار می‌کنند،

بیشتر در مشاغلی مشغول کار هستند که درآمد چندانی برای آن‌ها ندارد. این امر می‌تواند یک تهدید یا یک فرصت خوب برای پیشرفت باشد. تهدید از این جهت که اگر همچنان این جمعیت بیکار بماند، اقتصاد کشور دچار مشکلات زیادی خواهد شد. فرصت از این بابت که اگر کشور از این نیروی عظیم کاری بهره‌گیرد، به رشد اقتصادی بسیار بالایی خواهد رسید از این رو در عصر حاضر، با مطرح شدن مفهوم عاملیت انسانی در نظریات توسعه، یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور، وضعیت زنان و سطح توانمندسازی این قشر است. حضور فعال زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی و فرهنگی در جامعه گردد و برگزاری با کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از شیوه‌های مؤثر دسترسی برابر زنان بر اساس جنسیت است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲).

آموزش فنی و حرفه‌ای، انجام فعالیت‌هایی است که فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می‌کند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش می‌دهد. این آموزش‌ها تأثیرات شگفت‌آوری در توانمندسازی فراگیران برخوردار است و چنانچه به شکل صحیح اجرا شود، زمینه را برای تغییرات وسیع دانشی، بینشی و مهارتی فراهم می‌کند. از این منظر، توانمندسازی سبب ایجاد قابلیت در افراد و گروه‌های محروم برای مشارکت فعال و آگاهانه در تأمین رفاه فردی و اجتماعی می‌شود. اگر چه برنامه توانمندی سازی افراد و جوامع، در قلمرو حمایت‌های اجتماعی است، اما با توجه به این که هدف نهایی آن منجر به فقرزدایی می‌شود، نیازمند طراحی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی است (وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۴) و از اهمیت خاصی برخوردار و ضرورت مطالعه آن احساس می‌شود زیرا در همه کشورهای دنیا آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد، اما در بازار کار ایران به علت پایین بودن نهاده‌های تولید، کارگر ساده بیشتر از کارگر فنی به چشم می‌خورد. لذا آموزش فنی و حرفه‌ای از جایگاه اساسی برخوردار بوده تا بتواند از نهاده‌های تولید به نحو مطلوب استفاده نماید. همچنین رشد روزافزون تکنولوژی و تحولات بازار کار می‌طلبد که به این آموزش‌ها به شکل جدی‌تر توجه شود و با عنایت به نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای، به اصول خاص آن توجه گردد و این مهم در نظر گرفته شود که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توانمندسازی زنان، بحث مهارت در زنان است. از سویی، مهارت هم شاخصی در تشکیل مفهوم توانمندسازی است و از سویی دیگر از دستاوردهای توانمندسازی تلقی می‌شود.

از این رو توانمندسازی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در قالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهای آموزش و اشتغال می‌باشد. دومین عنصر، عاملیت است، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارد، در نظر گرفته شوند. سومین عنصر، دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرایندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها می‌توانند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند، عزت نفس، مشارکت در زندگی اجتماعی، سیاسی و غیره را در برگیرند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۴).

در این راستا زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند غالباً از دید سیاست گذاران توسعه پنهان بوده و توجه بیشتری را می‌طلبند. همچنین نسبت فعالیت زنان از نقطه‌ای به نقطه دیگر بر حسب ملاحظات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کند و در هر گوشه‌ای از کشور برحسب شرایط گوناگون محیطی شکل و میزان مشارکت زنان در امور مختلف تفاوت دارد. لذا اتخاذ روش ناحیه‌ای می‌تواند در تفکیک مناطق همگن ما را یاری داده و تعمیم نتایج را به مناطق مشابه ممکن سازد (دادورخانی، ۱۳۸۵). با توجه به تفاسیر مذکور و اهمیت توانمندی مهارتی زنان و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی در جوامع که حاکی از نقش حساس و تعیین کننده آنان دارد، مسئله کانونی پژوهش که پژوهشگران این مطالعه در جستجوی یافتن پاسخی برای آن برآمده‌اند، این است که عوامل تضمین کننده کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دیر و جم از توابع استان بوشهر کدامند؟

بر اساس این پرسش کلی و بر مبنای آن چه که از مبانی نظری پژوهش، استخراج شد، تعداد یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی تنظیم گردید. نگارندگان قصد دارد با انجام پژوهش حاضر و پاسخ به این فرضیات کلیدی و مهم، فهم تازه‌ای را از عوامل مختلف کیفیت بخشی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور توانمندسازی مهارتی ارآموزان زن، فراهم آورد. با این امید که این تلاش روشنی بخش و هدایت گر مسیر شناسایی نیازها، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی کاربردی و مؤثر برای این قشر ارزشمند در کشور باشد. در شناسایی عوامل تضمین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در این جا تنها به تعدادی از تحقیقات داخلی اشاره می‌شود که به رویکرد تحقیق حاضر نزدیک است.

-گودینی (۱۳۹۴) در پژوهشی، با هدف افزایش یا کاهش این رویداد طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ به مدت چهار سال در کارگاه کشاورزی، به بررسی افزایش میزان گرایش فارغ التحصیلان دانشگاهی جویای کار به مراکز فنی و حرفه‌ای، برای طی دوره مهارت آموزی در رشته‌های مختلف و خوداشتغالی پرداخت. وی نشان داد در شرایط فعلی روز به روز بر میزان اهمیت و علاقه مندی به سپری کردن دوره‌های مهارت آموزی کاربردی در سازمان در بین اقشار جوان و تحصیل کرده با گرایش‌های مختلف افزوده می‌شود.

- قدسیان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندی زنان پرداخته‌اند و یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که بین تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توانمندسازی زنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین مهارت آموزی زنان در آموزش نیروی انسانی یکی از سیاست‌هایی است که دولت باید در این زمینه به آن توجه ویژه کند.

- پفاژ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان، در حوزه‌های خدمات، کشاورزی و صنعت را برحسب محل سکونت افراد در شهر و روستا، مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج بدست آمده از این پژوهش مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی در سه حوزه فوق بر بهبود شاخص‌های کسب و کار مشتمل بر ملاک‌های دانش، شایستگی و مهارت، مدیریت و بهره‌وری، نگرش، ایمنی و توجهات محیطی، ارتباطات و اقتصاد تأثیر داشته است. همچنین آموزش‌های ارائه شده بر بهبود کسب و کار زنان شهری و روستایی نیز مؤثر است.

- کیمیایی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسیده است که برنامه‌های توانمندسازی به نحو صحیح و دقیق همان گونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در کشور ما به خصوص روی اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه همچون زنان سرپرست خانوار، نه تنها اشتغال و افزایش سطح درآمد خانوار و ارتقاء آن‌ها به سطوح بالاتر طبقات اجتماعی و اقتصادی جامعه را منجر می‌شود، بلکه به کمک آموزش شغلی از وابستگی آنان به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی - اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بینند. علاوه بر آن، به توانمندسازی روانی آن‌ها در حوزه‌های مختلف روان شناختی به خودکارآمدی، خودارزشمندی و عزت نفس، کنترل بر زندگی، قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله و ... منجر می‌شود.

- غفاری و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «مروری بر شاخص‌های توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار» به این نتیجه رسیده‌اند که بالاترین میزان توانمندی در بُعد روانی و کمترین آن در بُعد اقتصادی می‌باشد. میزان توانمندی در بُعد اجتماعی و سیاسی در سطح پایینی و در بُعد اجتماعی، میزان توانمندی دارای شبکه اجتماعی ضعیف و محدود به شبکه خویشاوندی است.

- شکوری و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تنها ۴۰ درصد از زنان دارای مهارت حرفه‌ای و ۶۰ درصد فاقد مهارت بودند. همچنین بررسی تفصیلی نشان داد که از بین افرادی که مهارت حرفه‌ای داشته‌اند، ۱۲/۴ درصد خیاطی، ۱۱/۵ درصد آرایشگری، ۴/۴ درصد قالی بافی، ۲/۲ درصد مهارت‌های رایانه‌ای و ۵/۳ درصد از سایر مهارت‌ها برخوردار بوده‌اند و تنها ۲۶ درصد افراد دارای مهارت می‌باشند و می‌توانند از طریق آن کسب درآمد نمایند.

- کتابچی و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان پیش شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان در شهر اصفهان به این نتیجه رسیدند که بالا بردن سطح تحصیلات و سلامتی، اعطای حق مالکیت قانونی، بالا بردن توان مالی، رفع تبعیض در بازار کار و حذف موانع سنتی در توانمندسازی زنان مؤثر است.

- حاجی ابراهیمی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان تعاونی‌های زنان و چالش‌های نوین با اشاره به این که زنان دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های خاص خود می‌باشند، تعاونی را رویکردی مطلوب برای بهره‌گیری از این قابلیت‌ها و توانمندی‌ها می‌داند. وی به توانمندسازی زنان در تعاونی‌ها توجهی جدی نموده است و توانمندسازی را معادل خودباوری، افزایش اعتماد به نفس، مهارت حل مسئله و مدیریت بر خویشتن می‌داند.

با مرور بر مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین در این زمینه، می‌توان دریافت که اکثریت زنان دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های خاصی می‌باشند و می‌توان به این افراد به دید منابع انسانی بالقوه کشور نگریست و با جهت دهی و سرمایه‌گذاری برای آموزش به منظور توانمندسازی و اشتغال آن‌ها علاوه بر سودبری از مشارکت آنان در توسعه اقتصادی، زمینه توسعه همه جانبه کشور را فراهم آورد. اما برخی از پژوهشگران عمدتاً در حوزه‌هایی مانند تعاونی‌های زنان و چالش‌های نوین، پیش شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان و مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها پژوهش انجام داده‌اند و شناسایی عوامل تضمین‌کننده کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در راستای توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن، به

نحو مطلوب مورد بررسی و پژوهش واقع نشده است. لذا هدف این پژوهش، شناسایی عوامل تضمین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دیر و جم از توابع استان بوشهر در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

روش شناسی

این پژوهش از لحاظ ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی، از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود که درصدد رفع مشکلی خاص برای جامعه است. جامعه آماری مورد بررسی در این مطالعه شامل ۲۰۰ نفر از کارآموزان زن مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دیر و جم در ۷ رشته آموزشی طی بازه زمانی ۹۶-۱۳۹۵ می‌باشد که از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و بهره‌گیری از جدول کرجسی و مورگان^۱، حجم نمونه ۱۶۸ نفر تعیین گردید و افراد نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و بر مبنای دفاتر حضور و غیاب انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه شامل ۲ پرسشنامه بود. پرسشنامه اول شامل ۱۵ سؤال برای سنجش توانمندی و پرسشنامه دوم با ۱۸ سؤال برای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان طراحی گردید. مقیاس پرسشنامه، مقیاس پنج گزینه‌ای طیف لیکرت^۲ و درجات خیلی کم تا خیلی زیاد بهره‌گیری شد. پرسش‌نامه‌ها برای افراد نمونه ارسال گردید تا مؤلفه‌های توانمندی و عوامل مؤثر بر آن سنجیده شود. روایی ظاهری و محتوایی^۳ پرسشنامه به وسیله‌ی پانل متخصصین^۴ و کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت و برای تعیین پایایی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد، که میزان آن ۸۹/۸ به دست آمد، که از حدبالایی برخوردار بود و چون این میزان بیشتر از ۷۰/۰ است می‌توان ادعا کرد که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. برای تعیین همبستگی بین کلیه متغیرهای تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای تعیین رابطه علی بین متغیرها و در نتیجه آزمون فرضیات، از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

1 Kerejice & Morgan.

2 Likert-Type-Scale.

3 Content & Face Validity.

4 Panel of Exxperts.

یافته‌ها

۱-۱- توصیفی

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود از تعداد ۱۶۸ نفر کارآموزان زن مراکز فنی و حرفه‌ای شهرستان‌های دیر و جَم ۴۹/۴۰ درصد مدرک تحصیلی لیسانس، ۵/۹۵ درصد دارای مدرک فوق لیسانس، ۱۴/۲۹ فوق دیپلم، ۱۴/۸۸ دیپلم، ۱۵/۴۸ زیر دیپلم هستند. بنابراین می‌توان گفت بیشتر کارآموزان دارای مدرک تحصیلی لیسانس، و تعداد کمتری دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس می‌باشند و از نظر سنی اکثریت آن‌ها بین ۲۱ تا ۲۵ سال قرار دارند. همچنین از نظر وضعیت تأهل ۶۸/۷۰ درصد مجرد و ۳۱/۳ درصد آن‌ها متأهل هستند.

جدول شماره (۱). توزیع فراوانی و درصد تحصیلات، سن و رشته مهارت‌کارآموزان

وضعیت کارآموزان	فراوانی	درصد	
مدرک تحصیلی	زیر دیپلم	۲۶	۱۵/۴۸
	دیپلم	۲۵	۱۴/۸۸
	فوق دیپلم	۲۴	۱۴/۲۹
	لیسانس	۸۳	۴۹/۴۰
	فوق لیسانس	۱۰	۵/۹۵
سن	۱۵-۲۰ سال	۲۰	۱۱/۹۰
	۲۱-۲۵ سال	۵۵	۳۲/۷۴
	۲۶-۳۰ سال	۴۸	۲۸/۵۷
	۳۱-۳۵ سال	۳۳	۱۹/۶۴
	۳۶-۴۰ سال	۱۲	۷/۱۴
رشته مهارتی	رایانه کار درجه ۱ و ۲	۴۸	۲۸/۵۷
	حسابداری	۱۰	۵/۹۵
	دوخت لباس زنانه	۳۲	۱۹/۰۵
	دوزنده کیف چرم	۳۰	۱۷/۸۶

۸/۹۳	۱۵	فتوشاپ
۷/۷۴	۱۳	کپیویت
۱۱/۹۰	۲۰	کارشناس و کارمند امور اداری

فرضیه تحقیق بیان می‌کند که بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توانمندسازی مهارتی زنان مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دَیْر و جَم رابطه مثبت و معناداری دارد. در این مطالعه تأثیر آموزش‌های مهارتی در توانمندی زنان از طریق ۱۵ نشانگر مورد بررسی قرار گرفته است. نشانگرهای که میانگین رتبه‌ای بیشتری دارند، بیشترین تأثیر را از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پذیرفته‌اند که شامل: ۱- افزایش روحیه و نشاط و شادابی ۲- افزایش روحیه کارگروهی ۳- افزایش روحیه موفقیت طلبی ۴- افزایش قدرت تعامل با دیگران. مطالب فوق مبین آن است که کارآموزان زن، توانمندی‌های خود در سطح متوسط به بالا را از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دَیْر و جَم کسب کرده‌اند و توانسته‌اند نتیجه آن را در نگرش، رفتار و عمل خویش نشان دهند. اما متغیرهایی مانند ۱- افزایش روحیه پویایی و رهبری ۲- افزایش واکنش در برابر پیشنهادات ۳- افزایش توانایی به کارگیری ریسک‌های حساب شده، میانگین رتبه‌ای کمتری را کسب کرده‌اند و در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند که نشان دهنده تأثیر کمتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مهارتی مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دَیْر و جَم در این خصوص می‌باشد.

برهمن اساس می‌توان گفت که محتوای آموزشی باید تا حد ممکن بر مبنای نیازهای یادگیرنده باشد و با واقعیت‌های محیط زندگی و کاری فراگیر ارتباط داشته باشد. نظام آموزشی باید این تجارب را با رشته علمی مرتبط نموده و زمینه استفاده از قوانین و حقایق علمی را در زندگی فراهم آورد. توجه به تغییرات اجتماعی و بازار کار، باید در تعیین محتوای آموزشی مورد توجه برنامه ریزان آموزش‌های مهارتی قرار گیرد. همچنین دیدگاه کارآموزان زن مراکز فنی و حرفه‌ای ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دَیْر و جَم نسبت به ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن در حد متوسط تا زیاد بود و گویه‌های ۱- افزایش دانش ۲- افزایش آگاهی در رابطه با رشته آموزشی ۳- افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس ۴- افزایش قدرت اتکاء به خود، با میانگین بالاتر از ۴/۲۵ رتبه‌های اوّل تا چهارم را به خود اختصاص داده و کمترین میانگین رتبه‌ای نیز به توان ایجاد شغل و توان ایجاد کارگاه خوداشتغالی

اختصاص داشت که باید برنامه ریزان آموزش‌ها در تدوین محتوی آموزش‌های مهارتی به این موارد توجه ویژه داشته باشند.

۲-۱- استنباطی

۱-۲-۱- تحلیل عاملی آموزش‌های مهارتی زنان

در این پژوهش برای تعیین مقیاس‌های مرتبط با آموزش‌های مهارتی زنان از تحلیل عاملی برای ۱۸ متغیر که ویژگی‌های این آموزش‌ها را تعیین نموده‌اند، بهره‌گیری شد تا مشاهده گردد که آن‌ها را در چند عامل می‌توان خلاصه نمود. در این خصوص، تحلیل عاملی صورت گرفت و در ابتدا میزان KMO محاسبه گردید که معادل ۰/۸۶۲ بوده و حکایت از کافی بودن حجم نمونه داشته و ضریب بارتلت معادل ۱۶۳۶/۲۱ و سطح معنی داری آن نیز معادل ۰,۰۰۰ برآورده شد که نشان دهنده تأثیر انجام تحلیل عاملی تحقیق می‌باشد. در مرحله بعد تحلیل واریانس و رگرسیونی هر کدام از عوامل مشخص گردید، که به شرح جدول شماره (۲) می‌باشد.

جدول شماره (۱). عوامل تعیین شده در درصد واریانس تبیین شده

عوامل	درصد تبیین واریانس هر عامل	درصد تبیین واریانس تجمعی
۱	۲۲/۵۰	۲۲/۵۰
۲	۲۳/۱۷	۴۵/۶۷
۳	۲۰/۵۰	۶۶/۰۷

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود برای این نشانگرهای ۱۸ گانه، در مجموع سه عامل شناسایی شده‌اند که ۶۶/۰۷ درصد واریانس را تبیین نموده‌اند. بنابراین می‌توان گفت هر متغیری که در عامل به دست آمد، می‌تواند در تعیین نام عامل یا بار عاملی نقش داشته باشد. هر چند تبیین ۶۶ درصد از تغییر پذیری در سطح توانمندی مهارتی کارآموزان زن مراکز ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دیر و جم توسط سه عامل: اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خود باوری، احصاء شده است

که نشان دهنده اهمیت هریک از آنهاست، اما نباید این موضوع را نادیده گرفت که واریانس جمعی ۶۶/۰۷ نشانگر وجود عامل تاثیرگذار دیگری است که در این جا مد نظر قرار نگرفته است.

۱-۲-۲- رگرسیون گام به گام: در این پژوهش متغیر وابسته توانمندی کارآموزان زن مراکز فنی و حرفه‌ای ۱۳ و ۱۴ شهرستان‌های دیر و جم و متغیرهای مستقل، عوامل مرتبط با آموزش‌های مهارتی می‌باشند. بنابراین برای تعیین اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته، از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. در این روش، قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می‌شوند تا هنگامی که خطای آزمون معنی داری به ۰/۰۵ برسد. در همین راستا، ۴ متغیر مستقل به مدل وارد شدند که شامل افزایش قدرت دانش، آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش انگیزه جهت شرکت مؤثر در دوره و افزایش قدرت اتکا به خود می‌باشند. این متغیرها توانسته‌اند ۹۲/۳ درصد تغییرات تضمین کننده ارتقاء کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن را ایجاد نمایند بر اساس گام‌های طی شده رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در هر گام توسط ضریب همبستگی چندگانه مشخص گردید. همچنین، ضریب تعیین (مجذور ضریب همبستگی چندگانه) که نشان دهنده توان تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و ضریب تعیین تعدیل شده است نیز به دست آمد. به این دلیل که ضریب تعیین تعدیل شده به درجه آزادی وابسته است و نسبت به ضریب تعیین دقیق‌تر است. همچنین، آنالیز واریانس نیز نشان دهنده معنی دار بودن رگرسیون تا گام چهارم می‌باشد. در آخرین مرحله از اجرای رگرسیون گام به گام متغیرها، ضرایب استاندارد و غیر استاندارد، انحراف معیار، T استیودنت و معنی داری آنها محاسبه گردید و مشاهده شد که تمامی متغیرهای وارد شده به مدل در هر مرحله، با معنی داری بالایی به تحلیل وارد شده‌اند و تا گام چهارم با معنی داری در سطح یک درصد وارد مدل شده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، مشخص گردید که آموزش‌های مهارتی ارائه شده در مراکز فنی و حرفه‌ای دیر و جم در توانمندی مهارتی کارآموزان زن شرکت کننده در این دوره‌ها تأثیر داشته و توانسته است توانمندی آنان را از جنبه‌های مختلف ارتقاء دهد و باعث افزایش قدرت دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، ذافزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس و افزایش قدرت اتکاء به خود را افزایش دهد. این پژوهش با یافته‌های گودینی (۱۳۹۴)، قدسیان و همکاران (۱۳۹۳)،

پفاژ و همکاران (۱۳۹۳)، کیمیایی (۱۳۹۰)، غفاری و همکاران (۱۳۸۸)، شکوری و همکاران (۱۳۸۶)، کتابچی و همکاران (۱۳۸۴) و حاجی ابراهیمی (۱۳۸۳) نیز همسو و هماهنگ است. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، سطح دانش کارآموزان زن در زمینه‌های توانمندی مهارتی پس از شرکت در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، در ابعاد مختلف افزایش یافته است. بنابراین دستیابی به هدف افزایش تغییر دانش مشارکت کنندگان که جزء اهداف آموزش‌ها می‌باشد، تحقق یافته است. یافته‌ها حاکی از آن است که بر اساس نتایج رگرسیون گام به گام چهار متغیر مستقل وارد شده به مدل که شامل افزایش قدرت دانش، آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش انگیزه جهت شرکت مؤثر در دوره و افزایش قدرت اتکا به خود می‌باشند، توانسته‌اند ۹۲/۳ درصد تضمین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در خصوص ایجاد تغییرات و توانمندسازی مهارتی کارآموزان زن را به وجود بیاورند. علاوه بر آن بر اساس میانگین‌های رتبه‌ای عوامل مؤثر در سنجش توانمندی مهارتی کارآموزان زن که عوامل را از قوی به ضعیف رتبه بندی نموده است، می‌توان اثر آموزش‌های مهارتی را بر هر نشانگر به طور مجزا مشخص نمود. لذا مدیران و برنامه ریزان آموزشی باید توجه خود را به نشانگرهای ضعیف بیشتر معطوف نمایند.

بنابراین با توجه به یافته‌ها و نتایج پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- این آموزش‌ها باید نیاز روز بازارکار باشد و به تغییر و تحول در فرهنگ مناطق توجه نماید.
- ۲- از نیروهای خلاق منطقه برای تضمین کیفیت و اثر بخشی آموزش‌ها استفاده گردد.
- ۳- نیازسنجی در زمینه مشاغل حرفه‌ای انجام و دوره‌های آموزشی ارائه شده با نیاز منطقه انطباق داده شود.
- ۴- ارزیابی برنامه‌های آموزش دیدگان در حین آموزش و بعد از آن جهت شناخت کاستی‌ها و مشکلات برنامه‌های آموزشی و رفع آن‌ها.
- ۵- محتوای آموزشی دوره‌ها متناسب با نیازهای آموزشی مورد بازبینی و ویرایش قرار گیرد و در تدوین محتوای و استانداردها به جدیدترین روش‌های تدریس، ابزارها و تجهیزات نوین و نوآوری‌ها جهت ایجاد بستر اشتغال، توجه ویژه گردد.
- ۶- ضمن آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی جهت اشتغال زنان، با تقویت مهارت‌ها و قابلیت‌های فردی و تأمین منابع مالی در جهت تشویق آنان به فعالیت‌های کارآفرینی گام برداشته شود.

۷- پژوهش‌های مشابهی در استان‌های دیگر و یا به صورت منطقه‌ای در جهت شناخت بهتر نظرات شرکت‌کنندگان و سایر عوامل تضمین‌کننده کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توانمندسازی مهارتی کارآموزان در این دوره‌ها به انجام برسد.

منابع

- پاپ زن، عبدالحمید؛ خالدی، خوش قدم؛ سلیمانی، عادل. (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع شماره دستی، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان، ۲(۳)، ۳۶-۴۱.
- قدسیان، حسین، ملأ محمدی، مجید، شاه حسینی، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمند سازی زنان، فصلنامه علمی - پژوهشی مهارت آموزی، کتابی، محمود؛ یزد خواستی، بهجت؛ فرخی راستایی، زهرا. (۱۳۸۴). پیش شرط‌ها و موانع توانمند سازی زنان مطالعه موردی زنان شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)؛ ۲(۵)، ۲۰-۳۴.
- کیمیایی، سید علی. (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمند سازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۰)، ۶۳-۹۲.
- گودینی، وحید. (۱۳۹۴). *افزایش میزان گرایش فارغ التحصیلان دانشگاهی جویای کار به مراکز فنی و حرفه‌ای برای طی دوره مهارت آموزی در رشته‌های مختلف و خود اشتغالی در سال‌های اخیر (یک بررسی چهار ساله)*، فصلنامه مهارت آموزی، ۱۳(۴)، ۱۰۳-۱۰۹.
- نظر زاده، محسن. (۱۳۸۷). آموزش و توسعه پایدار. مجله ارتباط علمی، ۱(۱۰)، ۱۸-۳۰.
- یعقوبی نجف آبادی، اشرف. (۱۳۸۹). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی، فصلنامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، ۲، ۴۵ - ۵۳.
- پفاژ، ابراهیمی؛ عنایتی، ترانه؛ محبوبی، محمد رضا. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان، فصلنامه مهارت آموزی، ۷(۲)، ۷ - ۲۴.
- حق شناس، جلال الدین، کزورنی، عبدالرسول (۱۳۹۲) بررسی و ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم بید، همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، دانشگاه تهران، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۵، ۷۱ - ۱۸۸.
- شکوری، علی. (۱۳۸۷). سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۶(۶۱)، ۱۵۹ - ۱۲۹.

شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم؛ جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی زن در توسعه و سیاست، ۵(۱)، ۲۶ - ۱.

صالحی، کیوان، زین آبادی، حسن رضا، و پرند، کورش، (۱۳۸۸). کاربست رویکرد سیستمی در ارزشیابی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای: موردی از ارزشیابی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای دخترانه شهر تهران، فصلنامه نوآوری آموزشی، ۲۹(۸)، ۱۵۲-۲۰۳.

غفاری، غلامرضا؛ دارابی، حسین؛ و جهانگیری، پرویز. (۱۳۸۸). مروری بر شاخص‌های توانمند سازی با تاکید بر زنان سرپرست خانوار، مجموعه مقالات دومین همایش توانمند سازی و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری، تهران، شهرداری تهران.

عزیزی، حمید؛ عزیزی، فرید؛ و خلیل بیگی، کمال. (۱۳۹۲). آسیب شناسی نقش رسانه‌ها در اشتغال زنان، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱(۳)، ۲۱-۲۹.